

Unit 2 book 3

به دست آوردن

به دست آوردن چیزی تصرف در آن است.

تینا دیروز بسته عجیبی بدست آورد

بی دست و پا

اگر چیزی بی دست و پا باشد ، شرم آور و ناراحت کننده است.

پس از انداختن فنجان قهوه ، رابی احساس بی دست و پا بودن کرد.

مراقب

مراقب شخصی است که از افراد بسیار جوان ، پیر یا بیمار مراقبت می کند.

مراقب مادر بزرگم به او کمک می کند تا در خانه دور بزند.

فریب دادن

فریب کسی به معنای باوراندن چیزی به کسی است که درست نیست.

او سعی کرد دوستان خود را در حالی که مشغول بازی بودند فریب دهد.

دلسرد کردن

دلسرد کردن کسی باعث می شود که او نسبت به چیزی احساس هیجان کمتری کند.

آقای پری دانش آموزان را از ترک تحصیل منصرف کرد.

جعلی

اگر چیزی جعلی باشد ، برای فریب مردم ، واقعی جلوه می کند.

مدل ، مژه های تقلبی به چشم داشت.

نفرت

نفرت یک احساس شدید از دوست نداشتن شخص یا چیزی است.

من از طعم دارو نفرت دارم.

کلبه

کلبه خانه ای است ساخته شده از چوب ، چمن یا گل که فقط یک یا دو اتاق دارد.

همه ما برای خواب به کلبه رفتیم.

فرومایه

اگر چیزی فرومایه است ، به خوبی چیز دیگری نیست.

اتومبیل های ساخته شده در صد سال پیش نسبت به اتومبیل های ساخته شده امروز پایین ترند.

کلبه

کلبه خانه ای در کوهستان است که توسط افرادی که شکار یا ماهی گیری می کنند استفاده می شود.

در طول سفر اسکی خود ، در یک کلبه اقامت داشتیم.

بی توجهی

غفلت از شخص یا چیزی این است که به درستی از آن مراقبت نکنید.

ویلیام از اتاقش غافل شد ، بنابراین اتاقش دارای یک آشفته‌گی کامل است.

تازه وارد

تازه وارد شخصی است که اخیراً به مکانی یا گروهی رسیده است.

دانش آموزان با خوشحالی از تازه وارد مدرسه استقبال کردند.

جرم

جرم رفتاری است که نادرست است یا قانون شکنی است.

سرقت اتومبیل تخلف بسیار جدی است.

غافل شدن

چشم پوشی از چیزی این است که متوجه آن نشوید ، یا متوجه نشوید که مهم است.

برندا آخرین پله را نادیده گرفت و سقوط بدی داشت.

بازپرداخت

بازپرداخت یعنی دوباره پرداختن یا پاداش دادن به شخصی یا چیزی.

او با یک هدیه کوچک تمام زحمات دوست خود را پاداش داد.

مسخره - مضحک

اگر چیزی مضحک باشد ، احمقانه یا عجیب است.

استیو با آن عینک های آفتابی بزرگ آبی، مضحک به نظر می رسید.

رضایتبخش

اگر چیزی راضی کننده باشد ، به اندازه کافی خوب است.

مینا از آنجایی که خیلی سخت درس می خواند اغلب نمرات رضایت بخشی می گرفت.

شبان

چوپان شخصی است که از گوسفندان محافظت و مراقبت می کند.

چوپان گوسفندان را به مزارع دیگری منتقل کرد.

ریسک کردن

اقدام به سرمایه گذاری یعنی رفتن به مکانی که ممکن است خطرناک باشد.

اگر چه خطرناک بود ، آنها کوه را رها کردند.

گندم

گندم گیاهی است که دانه تولید می کند. از دانه گندم برای تهیه نان استفاده می شود.

مزرعه گندم طلایی آماده برداشت بود.